

موضوع: بررسی نحوی و بلاغی آیه ۲۹ سوره مریم با تکیه بر نظریه علامه  
طباطبایی (رحمه الله علیه)

استاد راهنما: حجت الاسلام و المسلمین استاد محمد عشایری منفرد<sup>۱</sup>

پژوهشگر: نیما کریمی<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی جامعه المصطفی (ص) العالمیه

<sup>۲</sup> طلبه پایه سوم مدرسه علمیه آیت الله بهجت (ره) قم مقدسه

علم نحو چون علمی بوده است که یکی از ابزار های مهم فهم عمیق قرآن شمرده می شده است به طور شگفت انگیزی قواعد آن حفظ شده است و دست خوش تحریف نشده است، توجه و التفات افراطی دانشمندان این علم به عدم ایجاد انحراف در این علم باعث شده است به کشف و بیان معانی جدید اهمیت چندانی داده نشود و به بعضی معانی ظریف که در متن قرآن کریم وجود دارد توجه آن چنانی نشود و نظریات جدید مفسران در مورد قواعد این علم نادیده گرفت شود یکی از این مفسرانی که به این ابداعات قرآن کریم در فضای قواعد نحوی و معناشناسی توجه ویژه ای داشته اند مفسر بزرگ علامه طباطبایی بوده اند در این مقاله در طی سه فصل اقدام به اثبات یکی از این نظریات علامه طباطبایی شده است که شاید از نظر ایشان آن چنان فراگیری در قرآن کریم نداشته است ولی آن وسعتی که این نظریه داشته و علامه بزرگوار شاید به آن توجهی نداشته اند به وضوح به وسیله ای مثال های مختلف قرآنی ثابت می شود و از آن جا که قواعد علم نحو تابع کثر استعمال هستند شاید بتوان این نظریه را با مثال ها و استعمالات مختلف به صورت یک قاعده و معنایی جدید بیان کرد.

**کلید واژه ها:** سوره مریم آیه ۲۹، لفظ کان، علامه طباطبایی، شدت اتصاف،

مقتضی حال، مقام بیان

## چکیده:

کلمه کان در قرآن کریم استعمالات زیادی را به خود اختصاص داده است که این استعمالات از انواع سه گانه ای آن هستند که در کتب نحوی ذکر شده است اما مسئله آن جا است که بسیاری از موارد موجود در قرآن کریم جزء معانی هیچ یک از انواع سه گانه کان نیستند و به همین خاطر بعضی از مفسران برای بیان معنای این استعمالات دست به توجیه های ادبی زده اند که متناسب با تفسیر کلام یک متکلم بلیغ نیست، مفسر جلیل قدر علامه طباطبایی در ذیل تفسیر آیه ۲۹ سوره مبارکه مریم معنایی دیگر از کان ناقصه را بیان کرده اند که در هیچ یک از کتب نحوی ذکر نشده است و آن دسته از استعمالاتی را که معانی دیگر کان در بر نمی گرفتند را این معنا از کان در بر می گیرد این قسم از اقسام کان به معنای شدت اتصاف موصوف به صفت است با توجه به این نکته که این معنا از کان دلالت بر زمان خاصی نمی کند این معنای از کان با مقتضای حال و مقام بیان بسیاری از استعمالات سازگاری ویژه ای دارد

## فصل اول

### بررسی تفسیری آیه

در آیه ۲۹ سوره مبارکه مریم در مورد کان که در این آیه استعمال شده است بین نحویون و مفسران تفاوت نظر های به وجود آمده است چرا که در این آیه کان به صورت ماضی استعمال شده است و با معنای مضارع و مقام تعجبی که از آیه فهمیده می شود تناسبی ندارد ما به ترتیب نظرات و همچنین اشکالات آن ها را بیان می کنیم تا به نظر درست تر که نظر علامه طباطبائی ره است برسیم.

متن آیه و ترجمه:

فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا (۲۹)

پس اشاره کرد به سوی آن (کودک که از او پرسید)، گفتند: چگونه با کسی که  
کودکی خرد در گهواره است سخن بگوییم؟!

تبیین کامل اشکال

آیه مورد نظر در مقام بیان داستان حضرت مریم و حضرت عیسی است زمانی که  
مردم با حضرت مریم و فرزند تازه متولد شده ایشان روبه رو شدند و چون آن  
حضرت با کسی ازدواج نکرده بودند برای مردم تعجب بر انگیز بود که با فرزندی

تازه به دنیا آمده ایشان را ملاقات کرده اند به همین خاطر شروع به تهمت زدن به آن حضرت کردند این در حالی بود که آن حضرت نذر کرده بودند که یک روز کامل با انسان ها سخن نگویند و به همین خاطر نمی توانستند از خودشان دفاع کنند به همین دلیل اشاره کردند به فرزندشان که در گهواره بود تا مردم با او سخن بگویند و این برای مردم تعجب برانگیز بود که چگونه آن حضرت از مردم درخواست می کند با کودکی که گهواره است و تازه به دنیا آمده است سخن بگویند خداوند متعال برای بیان این سخن مردم که در مقام بیان در گهواره بودن حضرت عیسی و عدم توانایی بر سخن گفتن بودن این چنین تعبیر می کند و همین تعبیر که در آن از کلمه کان استفاده شده است مورد اختلاف قرار گرفته است چون مردم در مقام بیان حال فعلی حضرت عیسی بودند ولی در قرآن از کلمه کان که برای زمان ماضی است استفاده شده است و بهتر آن بود که از عبارت «من فی المهد صبی» استفاده می شد برای پاسخ به این به ظاهر اشکال به طور کلی چند جواب بیان شده است:

۱- زمخشری در کشاف (جلد ۳ صفحه ۱۵) این چنین بیان می کند که زمان ماضی به دو گونه گذشته دور و گذشته نزدیک متصل به زمان حال تقسیم می شود و کان در آیه به معنای دوم یعنی گذشته متصل به زمان حال می باشد تقسیم کردن ماضی به این دو گونه از نظر ادبی پذیرفته است ولی در این آیه که شان نزول آن حالت انکار و تعجب مردم برای سخن گفتن با طفلی که هم اکنون در گهواره است سازگار

نیست چون برای مردم حالت فعلی و در زمان حال طفل اهمیت دارد نه گذشته ای که نزدیک و متصل به زمان حال بوده است.

۲- زمخشری در کشاف (جلد ۳ صفحه ۱۵) نظر دیگری نیز بیان می کند که کمی دور از ذهن است و با دقت بسیار زیاد و کمی توجیه نحوی شاید بتوان آن را پذیرفت کیف نكلم در این آیه شریفه حکایت حال ماضویه است و من نیز موصوله می باشد و صفت برای اطفال می باشد معنا این گونه می شود که چگونه با اطفال که این چنین صفت دارند که در گواره هستند سخن بگوییم در حالی که تا به حال سخن نگفته ایم و بافرزند تو نیز که چنین صفتی دارد نمی توانیم سخن بگوییم.

۳- تفسیر روح المعانی (جلد ۸ صفحه ۴۰۵) از ابو عبیده نظر زائده بودن کان را بیان می کند به این استناد می کند که کان زائده دلالت بر زمان نمی کند ولی این مورد مردود است زیرا که عدم دلالت کان زائده بر زمان اختلافی است و همچنین زائده واقع شدن کان در علم نحو دارای شرایطی است که هیچ یک از آن شرایط در این آیه موجود نیست.

۴- تفسیر روح المعانی (جلد ۸ صفحه ۴۰۷) نظر دیگری از زجاج نقل می کند که من در آیه شرطیه است و جمله کان فی المهد صبیا شرط و کیف نكلم جزاء می باشد و کان در جمله شرطیه به معنا استقبال است و معنا این چنین می شود اگر کسی که

در گواره در حالت کودکی باشد ممکن نیست سخن گفتن با او ولی دور از ذهن

بودن این معنا و همچنین به سختی فهم شدن معنا شرط مشکل این جواب است

۵- این جواب نظریه خود علامه است (تفسیر المیزان جلد ۱۴ صفحه ۴۶) که این

چنین بیان کنندگان در این جا برای دلالت بر زمان و حدث نیامده است بلکه برای

بیان شدت و کثرت اتصاف موصوف به صفت آمده است به این معنا که در گواره

بودن برای این طفل شدت دارد و در همین زمان نیز در گواره است این نظر با شان

نزول این آیه نیز تناسب دارد چون حالت تعجب و انکار برای مردم وجود دارد و

خداوند متعال برای بیان شدت و حالت انکار و تعجب آن ها از کلمه کان استفاده

کرده است.

این که کان در این آیه شریفه به این معنا آمده است اشکالی بر آن وارد نیست ولی

باید این معنا برای کان ناقصه به اثبات برسد اگر بتوان این معنا را به اثبات رساند بر

خیلی دیگر کان ها موجود در قرآن نیز می توان تطبیق کرد.

## فصل دوم

### بررسی نحوی کان

برای پی بردن به این نکته که بیان نظریه های جدید در علوم ادبی و به طور جزئی در مورد کان ضرورت دارد ابتدا لازم است انواع استعملاتی که برای کان در کتب نحو ذکر شده است را بیان کنیم (نحو وافى، عباس حسن، جلد ۱ صفحه ۵۲۷، ۵۲۴) (البهجه المرضيه، سیوطی عبد الرحمن بن ابی بکر ۲ صفحه ۸۴) .

به طور کلی استعمال کان در کتب نحوی به سه صورت بیان شده است:

۱- کان تامه: این نوع از کان معنایش با مرفوع خود که همان کان است کامل می شود و به همین خاطر است که اسم آن را کان تامه گذاشته اند چون معنایش با مابعدش تمام و کامل می شود معنا لغوی کان در این نوع وجود داشتن و حاصل شدن می باشد مانند کان زید

۲- کان ناقصه: این نوع از کان معنایش با مرفوع مابعدش که اسم آن می باشد کامل نمی شود بلکه علاوه بر آن به اسمی منصوب که خبر آن باشد برای کامل شدن معنا احتیاج دارد و معنای آن اثبات اتصاف اسم به خبر به همراه زمان می باشد این نوع از کان در زمان متصرف است و استعمال می شود.



۳-کان زائده:این نوع از کان به حدث و زمان دلالت نمی کند بلکه به تاکید جزئی

در معنا کلام ایجاد می کند در مورد این که کان در چه استعملاتی زائده واقع می

شود اختلاف است که این اختلاف به طور کلی این چنین است:

۱-ابن عصفور زائده بودن کان را مخصوص شعر می داند و قائل به عدم ورود آن در

نثر می باشد.

۲-سیوطی قائل بر ورود آن در نثر شده است اما با شرایط خاص که آن شرایط بدین

شرح می باشد:

الف:بین ما و فعل تعجب

ب:بین صله و موصول

ج:بین صفت و موصوف

ح:بین فعل و مرفوعش

د:بین مبتدا و خبر

به توجه این انواع سه گانه کان می توان گفت بعضی موارد در قرآن کریم و کلام

عرب وجود دارد که جزء هیچ یک از معانی بیان شده برای موارد سه گانه بالا نمی

باشد

## فصل سوم

### تطبیق نظریه بر آیات دیگر

تاکنون ضرورت بیان نظریه های جدید در علم نحو را بیان کردیم همچنین نیاز به بحث از نظریه های جدید در مورد کان را نیز شرح دادیم حال وقت آن رسیده است که با آوردن استعمالات مختلف قرآنی نظریه جدید علامه طباطبائی را در مورد کان به اثبات رسانیم و و گستره این نظریه را در آیات قرآن به تصویر بکشانیم.

۱- قُلْ سُبْحَانَ رَبِّيَ هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا (۹۳ الاسراء)

بگو: منزه است پروردگارم (از این سخنان بی معنی)! مگر من جز انسانی فرستاده خدا هستم؟! (آیت الله مشکینی)

در این آیه شریفه نیز کلمه کان با جمله ای که در آن به کار رفته است سازگاری ندارد و اشکال است که چرا کان ناقصه که بر معنای زمان گذشته دلالت می کند در این جا استعمال شده است همچنین این کان از نوع زائده نمی تواند باشد زیرا هیچ یک از شرایط آن را ندارد برای اثبات این مدعا که کان ناقصه در این آیه نیز برای بیان شدت اتصاف موصوف به صفت آمده است ابتدا شان نزول آیه را بیان می کنیم:

در تفسیر شریف جامع البیان ( جلد ۱۵ صفحه ۱۱۰) در شان نزول این آیه این چنین بیان می کند که از ابن عباس نقل است که روزی مشرکان مکه جلو کعبه جمع شدند و کسی را به دنبال پیامبر فرستادند ابتدا پیامبر را به خاطر کاری های که در امر رسالت انجام داده بودند سرزنش کردند و بعد که موفق به منصرف کردن پیامبر از امر رسالت نشدند از ایشان طلب انجام کارهای عجب و خارق العاده کردند قرآن کریم با به تصویر کشیدن این واقعه پاسخ پیامبر که در حالت انکار و تعجب بودن را با این عبارت بیان می کند ( قُلْ سُبْحَانَ رَبِّيَ هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا )

با توجه به حالت کلام و مقتضای حال که تعجب و انکار است می توان گفت کان در این آیه شریفه برای بیان شدت اتصاف موصوف به صفت استعمال شده است و در مقام بیان پاسخی محکم به مشرکان است که از پیامبر چنین درخواستی داشتند.

۱- فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا (۳۳)

اما در قتل اسراف نکند، چرا که او مورد حمایت است!

در این آیه شریفه خداوند متعال در مقام بیان احکام قصاص است و در آخر آیه این را می فرمایند که کسی که به ظلم کسی از خویشان او کشته شده است در قصاص کردن اسراف نکند یعنی در حین قصاص شکنجه نکند یا بیشتر از یک نفر را نکشد چرا که این فرد به جعل شدن این احکام یاری می شود و یاری شده است اگر در این آیه شریفه نیز برای کان ناقصه زمان قائل شویم معنا می شود این که فرد در

گذشته یاری شده است و این یاری برای زمان حال نیست درحالی که آیه درمقام بیان است که این فرد به طور کلی و در زمان حال و گذشته یاری شده است و همچنین از متکلم بلیغی چون خدای متعال بعید این چنین سخن بگویند ولی اگر گفته شود که کان در این آیه برای بیان شدت اتصاف موصوف به صفت آمده است با سیاق آیه که در مقام ایجاد حالت امنیت خاطر برای خویشاوندان مقتول است سازگار است.

۳- وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (النساء ۱۷)<sup>۳</sup>

و خدا همواره دانا و حکیم است. (آیت الله مشکینی)

و خدا همواره دانا و حکیم است. (استاد انصاریان)

در بسیاری از آیات قرآن کریم زمانی که از صفات خداوند متعال سخن به میان می آید از لفظ کان استفاده می شود کان در این آیات از نوع زائده و تامه نمی تواند باشد و باید از نوع ناقصه آن که دلالت بر زمان می کند باشد معنای گذشته ای که از لفظ کان در این آیات برداشت می شود با عقاید مسلمان سازگار نیست چرا که زمان گذشته این صفت را برای خداوند در گذشته بیان می کند در صورتی که اعتقاد ما بر این است که این صفات همیشه برای خداوند متعال وجود دارد اگر کان را در این

<sup>۳</sup> (النساء ۱۱) (النساء ۱۶) (الفتح ۲۶) (الفتح ۲۴) (الفتح ۲۱) (الفتح ۱۹) این آیات شریفه نیز از همین دست می باشند

چنین آیاتی ناقصه بدانیم باید برای این که با عقاید ما در تعارض نباشد رو به توجیه  
بیاوریم در صورتی که این توجیهات در کلام متکلم بلیغ راه ندارد.

اما طبق نظر علامه طباطبایی کان در این آیات می تواند به معنای شدت اتصاف  
موصوف به صفت باشد و در مورد صفات خداوند متعال این چنین می شود که این  
صفات در خداوند متعال شدت دارند و همیشگی هستند.

۴- وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَى أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا (۲ النساء)

و اموال آنها را با خلط در اموال خود مخورید، که همانا آن گناهی بزرگ است. (آیت  
الله مشکینی)

و اموال آنان را همراه اموال خودتان (با مخلوط کردن یا تبدیل نمودن) نخورید، زیرا  
این گناه بزرگی است (آیت الله مکارم شیرازی)

خداوند متعال در این آیه در مقام بیان نهی استفاده از اموال یتیمان است و در عبارت  
(إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا) در مقام بیان شدت قبیح بودن این کار است اگر کان را در این  
آیه زمان دار بدانیم معنای آیه این چنین می شود که این کار در زمان گذشته گناه  
بزرگی بوده است در حالی که آیه قصد بیان این را دارد که کار در همه ای زمان ها  
گناه بزرگی است ولی اگر کان را به معنا شدت اتصاف موصوف به صفت بدانیم با

مقتضی حال در این آیه متناسب است چرا که آیه شدت قبیح بودن و گناه بودن این کار را بیان می کند.

۵-وَ اغْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ (۸۶ الشعراء)

و بر پدرم ببخشای، زیرا او از گمراهان است (آیت الله مشکینی)

و پدرم [عمویم] را ببامرز، که او از گمراهان بود! (آیت الله مکارم شیرازی)

در این آیه و آیات شریفه قبل از آن خداوند متعال داستان حضرت ابراهیم و پدرشان آزر را به نمایش می کشند و در این آیه در مقام بیان آن هستند که حضرت ابراهیم برای پدرشان از خداوند متعال درخواست بخشش دارند و بیان می کنند که او از گمراهان است.

در دو ترجمه ای که از دو مترجم گرانقدر آیت الله مشکینی و آیت الله مکارم ذکر شده است به خوبی روشن از این دو مترجم کان را در این آیه به دو صورت مختلف ترجمه کرده اند (است و بود) که یک ترجمه برای کان معنای گذشته بیان کرده است و ترجمه دیگر معنای حال بیان کرده است.

اگر کان را در این آیه زماندار بدانیم با توجه به ماضی بودن کان معنای گذشته برای آن درست است اما آیات سابق حاکی از این هستند که حضرت ابراهیم در حال سخن گفتن با قوم و پدرشان بودند و وقتی این درخواست را از خداوند داشتند که

پدرشان گمراه بودند و نمی توان گفت کان در این آیه به دارای زمان گذشته است و همچنین معنای حال را که آیت الله مشکینی ذکر کرده اند (احتمالاً توجه داشته اند که معنای گذشته با سیاقی آیات تناسب ندارد) با لفظ کان که به صورت ماضی است تناسبی ندارد و نمی توان فعل ماضی را به گذشته ترجمه کرد.

اما کان به معنای شدت اتصاف موصوف به صفت در این آیه به خوبی معنا پیدا می کند چرا این گمراهی در پدر حضرت ابراهیم کامل شدت داشته است و نشانه های آن در آیات قرآن که داستان حضرت ابراهیم را به تصویر می کشند کاملاً مشهود است.

۶- وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (۶۷ الفرقان)

و کسانی که هر گاه انفاق کنند، نه اسراف می نمایند و نه سخت گیری؛ بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند. (آیت الله مکارم شیرازی)

در این آیه شریف از افعال مضارع برای بیان صفات عباد الرحمان استفاده شده است و در آخر آیه بیان آن می شود که آن ها در این صفات اعتدال دارند و این مطب با استفاده از لفظ کان بیان شده است که مسلماً کان در این آیه دارای زمان گذشته نیست که معنا این چنین شود (در این دو صفت حد اعتدالی داشتند) بنابراین کان در آیه به معنای شدت اتصاف موصوف که عباد الرحمان هستند به صفت اعتدال می باشد.

۷-وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَى رَبِّهِ ظَهِيرًا

(۵۵ الفرقان)

آنان جز خدا چیزهایی را می پرستند که نه به آنان سودی می رساند و نه زیانی؛ و کافران همیشه در برابر پروردگارشان (در طریق کفر) پشتیبان یکدیگرند. مکارم

۵۵ و به جای خداوند چیزی را می پرستند که نه به آنها سودی می دهد و نه زیانی می رساند، و کافر همواره بر ضد پروردگار خود پشتیبان (شیطان و دشمنان خدا) است. (آیت الله مشکینی)

خداوند متعال در این آیه شریفه صفات کافران بیان می کند یکی از این صفات آن است که کافران در برابر پروردگارشان در راه کفر پشتیبان یک دیگر هستند و خداوند متعال برای بیان این موضوع که این صفت در آنها شدت دارد از لفظ کان استفاده کرده است با توجه به این نکته که کان در این آیه نمی تواند هیچ یک از انواع سه گانه ای که نحویون در کتب نحوی ذکر کرده اند باشد و همچنین که در مترجم بزرگ کان را در این آیه شریفه با زمان حال معنا کرده اند درحالتی که لفظ کان دلالت بر زمان گذشته می کند

۸-قَالَ رَبُّ أُنَى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتْ امْرَأَتِي عَاقِرًا (مریم ۸)



گفت: «پروردگارا! چگونه برای من فرزندی خواهد بود؟! در حالی که همسرم نازا و عقیم است،» (آیت الله مکارم شیرازی )

گفت: پروردگارا، چگونه برای من فرزندی خواهد بود در حالی که زن من از ابتدا نازا بوده (آیت الله مشکینی )

در ابتدای سوره مبارکه مریم خداوند متعال داستان حضرت زکریا و همسر ایشان را بیان می کند و در این آیه شریفه این سخن حضرت زکریا درباره همسرشان مطرح می شود که او نازاست و این مطلب با استفاده از لفظ کان بیان می شود که مانند موارد قبل زمان گذشته داشتن کان با معنای آیه سازگار نیست (برای همین است که در دو ترجمه ذکر شده برسر بیان زمان اختلاف رخ داده است ) اما معنای شدت اتصاف موصوف با صفت با مقام و ترجمه آیه سازگار است چرا که مقام آیه مقام تعجب است که از سوی حضرت زکریا رخ داده است.

۹-لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا (۲۹ الفرقان)

حقاً که مرا از یاد خدا (یا پیامبر و قرآن) پس از آنکه به من رسیده بود منحرف نمود، و همواره شیطان نسبت به انسان خوارکننده بوده و هست. (آیت الله مشکینی)

همان طور که ملاحظه می شود آیت الله مشکینی کان را در آیه به صورتی معنا کرده است که صفت خوارکنندگی شیطان داوم دارد در حالی که لفظ کان داری زمان

ماضی می باشد ولی این ترجمه با این بیان کان دلالت بر آن دارد که صفت  
خوارکنندگی در موصوف که شیطان است شدت و دوام دارد سازگار است.

۱۰- وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا (الفرقان ۶۵)

و کسانی که می گویند: «پروردگارا! عذاب جهنم را از ما برطرف گردان، که عذابش  
سخت و پر دوام است! (آیت الله مشکینی)

آیه شریفه حالت سختی و دوام عذاب را از زبان عبد الرحمان بیان می کند که از  
خدا درخواست برطرف کردن آن را از خود دارند برای بیان این سختی و عذاب از  
لفظ کان استفاده شده است که دلالت بر شدت سختی و دوام عذاب جهنم دارد.

۱۱- وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا (۲۰)

و همواره پروردگار تو (به حال همه) بیناست. (آیت الله مشکینی)

در این آیه شریفه نیز مانند بسیار از آیات که در مقام بیان صفات خداوند متعال  
هستند از لفظ کان استفاده است که در ترجمه بیان شده از آیت الله مشکینی معنای  
آن به خوبی بیان شده است که این ترجمه و معنا نشانگر آن است که کان در این آیه

و این گونه آیات دلالتی بر زمان ندارد به خوبی می توان معنای که از کان در این مقاله بیان شده است را بر آن تطبیق داد.

۱۲-وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَ نَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَؤُسًا  
(۱۸۳ الاسراء)

و چون انسان را نعمت (سلامت و جاه و مال) بخشیم اعراض می کند و خود را از ما دور می سازد و چون او را شرّی دررسد (مانند مرض و فقر، از همه چیز) سخت نوید می شود (آیت الله مشکینی)

هنگامی که به انسان نعمت می بخشیم، (از حق) روی می گرداند و متکبرانه دور می شود؛ و هنگامی که (کمترین) بدی به او می رسد، (از همه چیز) مایوس می گردد! (آیت الله مکارم شیرازی)

آیه شریفه بیان صفت ناامیدی و مایوس شدن را برای انسان دارد که لفظ کان در آیه به معنا شدت اتصاف انسان به این صفت می باشد دلیل آن عدم تطبیق و ناسازگاری انواع دیگر کان در این آیه شریفه است.

به خاطر طولانی نشدن مطلب فقط به ذکر موارد دیگر کفایت می کنیم و توضیح و تطبیق را در مواردی که واضح است بیان نمی کنیم

۱۳- قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَ

هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ۹۷ البقره

(آنها می گویند: «چون فرشته ای که وحی را بر تو نازل می کند، جبرئیل است، و ما با جبرئیل دشمن هستیم، به تو ایمان نمی آوریم!») بگو: «کسی که دشمن جبرئیل باشد (در حقیقت دشمن خداست) چرا که او به فرمان خدا، قرآن را بر قلب تو نازل کرده است؛ در حالی که کتب آسمانی پیشین را تصدیق می کند؛ و هدایت و بشارت است برای مؤمنان.» (آیت الله مکارم شیرازی)

۹۷ (در پاسخ یهودانی که می گویند ما با جبرئیل دشمنیم و از این رو تو را نیز نمی پذیریم) بگو: هر کس دشمن جبرئیل باشد (او در واقع دشمن خداست، زیرا) او قرآن را به امر یا اراده تکوینی خداوند بر قلب تو فرود آورده در حالی که تصدیق کننده است آنچه را که پیش از آن (از کتاب های آسمانی) بوده است، و هدایت و بشارت است برای ایمان آورندگان. (آیت الله مشکینی)

۱۴- لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدًا مَسْئُولًا (۱۶ الفرقان)

هر چه بخواهند در آنجا برایشان فراهم است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ این وعده ای است مسلم که پروردگارت بر عهده گرفته است! (آیت الله مشکینی)

۱۵- تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا (۶۳ مریم)

این همان بهشتی است که به بندگان پرهیزگار خود، به ارث می‌دهیم. (آیت الله

مکارم شیرازی)

۱۶- إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا (۶۱مریم)

مسلماناً وعده خدا تحقق یافتنی است! (آیت الله مکارم شیرازی)

۱۷- وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا (۹۸کهف)

، و وعده پروردگار من همیشه حق و ثابت است. (آیت الله مشکینی)

۱۸- وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً (الاسراء۸۸)

هر چند یکدیگر را (در این کار) کمک کنند. (آیت الله مکارم شیرازی)

۱۹- وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيراً (۳۰النساء)

۲۰- إِنْ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَاداً (۲۱النباء)

۲۱- إِنْ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتاً (النباء۱۷)

نتیجه: با توجه به استعالاتی که از قرآن کریم آورده شد و تطبیقاتی که انجام شد می

توان گفت کان در بعضی از استعمالات عرب خالی از زمان و معنای فعلی

(حدوث) می شود و فقط به معنای شدت اتصاف موصوف به صفت دلالت می کند و در آن زمان در نظر گرفته نمی شود.

## منابع

۱-قرآن کریم

۲-المیزان فی تفسیر القرآن طباطبائی محمد حسین لبنان- بیروت مؤسسه الاعلمی

2 للمطبوعات ۱۳۹۰ ه ق

۳-الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، زمخشری،

محمود بن عمر، دار الكتاب العربی، لبنان - بیروت، ۱۴۰۷ ه. ق، ۳

۴-تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، ابن عاشور، محمد طاهر،

مؤسسه التاريخ العربی لبنان- بیروت، ۱۴۲۰ ه. ق، ۱

۵-روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، آلوسی، محمود بن عبدالله،

دار الكتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، لبنان- بیروت، ۱۴۱۵ ه. ق، ۱

۶- ترجمه قرآن، مشکینی اردبیلی، علی، نشر الهادی، ایران- قم، ۱۳۸۱ ه. ش، ۲

۷- ترجمه قرآن، مکارم شیرازی، ناصر، دفتر مطالعه تاریخ و معارف اسلامی، ایران-

قم، ۱۳۷۳ ه. ش، ۲

٨- النحو الوافى مع ربطه بالأساليب الرفيعة و الحياة اللغوية المتجددة, حسن عباس , ناصر خسرو,

ايران, تهران ١٣٦٧هـ ش

٩- البهجة المرضية على الفية ابن مالك, سيوطى عبدالرحمن بن ابى بكر , اسماعيليان , ايران قم

